

بررسی ماهیت حقوقی رای و چگونگی آن در نظام های مختلف حقوقی

زهرا پولادخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

در کشورهایی که دموکراسی حاکم است ملت برای تعیین تکلیف وضعیت خود نظرات خود را ابراز می کنند؛ در واقع دخالت ملت در نظام حقوقی و سیاسی خود امری طبیعی است اما اینکه ملت در چه مسائلی و تا چه حدی حق دخالت دارند بسته به موقعیت آن کشور و قانون اساسی آن کشور دارد. برگزاری انتخابات مختلف در کشورهایی که دموکراسی دارند همیشه صورت می گیرد. اینکه در جریان هر انتخاباتی چه افرادی می توانند شرکت کنند، انتخاب شوند و یا انتخاب کنند موضوع حقوقی عمومی است. اما در بحث انتخاب کنندگان افراد باید آرای خود را در صندوق های رأی قرار دهند. اینکه در هر نظامی به رأی چگونه نگاه می کنند آیا آن را یک حق تلقی می کنند که در این صورت ممکن است افراد از حق خود بگذرند و یا اینکه تکلیف است و باید در انتخابات شرکت کنند در کشورهای مختلف به روش های مختلف با این قضیه برخورد می کنند در این نگارش ما به دنبال سیر تکاملی رأی و چگونگی و چرایی برخوردهای مختلف توسط نظام ها و کشورهای مختلف با این نهاد حقوقی هستیم.

واژه های کلیدی: حقوق، رای، ملت، نظام حقوقی

۱- مقدمه

عملی تشریفاتی و حقوقی را که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان می پردازند رأی نامیده می شود.^۱

انتخاب کنندگان با این عمل با انتخاب نماینده یا نمایندگان خود در اداره امور کشور خود دخالت می کنند. اما از بدو پیدایش دموکراسی اختلاف نظرات مختلفی بوجود آمد مبنی بر اینکه رأی دادن یک حق است یا یک وظیفه. در واقع از زمانی که از واژه دموکراسی یا حکومت همه مردم صحبت شد واز یونان بوجود آمد برخی از مردم خود را سازگار با حکومت می دانستند و برخی حکومت را قبول نداشته و سعی می کرده اند از حق انتخاب خود استفاده کنند و افرادی را حاکم کنند که مورد مقبولیت آنها واقع شده باشد.

اما به مرور حکام با در دست گرفتن قدرت و نفوذ بر مردم به مرور شیوه انتخابات را تغییر می دادند به گونه ای که منافع خود را تأمین کنند و انتخاب کنندگان آنها را مورد انتخاب خود قرار دهند، این شد که به مرور آنها با پاشیدن لعاب حقوقی بر اعمال و کردار خودشان و توجیه کردن رفتار خود اذهان عمومی و رأی دهندگان را بیشتر به پای صندوق های رأی هدایت می کرده اند تا اعمال و کردار آنها در درجه اول حقوقی و سپس قانونی نمو پیدا کنند و جای هیچ نقد و انتقادی را برای خود برجای نگذارند، اما به مرور افراد عادی نیز شعور سیاسی آنها گسترش یافت تا جائیکه به مقابله برخاستند و از آنجا که مقابله فرمانبرداران با فرمانروایان از بدو تاریخ و همیشه بسیار سخت بود و در واقع یک جنگ نابرابر بود باز هم مانند اکثر مواقع فرمانروایان حاکم می شده اند و به مرور فرمانبرداران به این نتیجه رسیده اند که از آنجا که انتظارات آنها منجر به نتیجه نمی شود با عدم حضور خود در انتخابات و از بین بردن حق خود به گونه ای اعتصاب کنند و این شد که به مرور نظریه ای به وجود آمد که رأی دادن یک تکلیف نیست، حق است و فرد می تواند از آن اعراض کند.

درباره ماهیت رأی در نظام های مختلف حقوقی و کشورهای مختلف نظرات گوناگونی ارائه گردید برخی از آنها رأی دادن را یک تکلیف و برخی دیگر آن را یک حق برای بشریت تلقی می کند هر چند حق و تکلیف دو روی یک سکه می باشند اما در ماهیت دارای آثار حقوقی متفاوتی می باشند. اهم این نظریات عبارتند از:

الف - نظریه حق رأی^۲

این نظریه مبنی بر نظریه حاکمیت تقسیم شده ژان ژاک روسو و شاگردانش بود و از طرف آنها دفاع می شد که اگر حاکمیت مردم، ما حاصل جمع سهام حاکمیت هر شهروند باشد، پس صاحب سهم حاکمیت یعنی فرد شهروند حق دارد که در سازماندهی حکومت و صورت بندی اقتدار عالی سیاسی همکاری و مشارکت کنند. اگر این همکاری و این مشارکت از راه انتخابات تحقق یابد پس هر شهروند حق دارد رأی بدهد.^۳ و بر اساس این نظریه فرد آزاد و مختار است پس بنا بر اختیار و آزادی خود می تواند از حق خود استفاده کند رأی بدهد یا حق خود را استفاده نکند و با عدم حضور در انتخابات حق خود را استیفاء نکند.

ب - نظریه حق تکلیف^۴

بر اساس این نظریه که کاملاً خلاف نظریه فوق می باشد رأی دادن یک تکلیف است و شهروند در زمان هر انتخاباتی مکلف است حضور پیدا کند و رأی خود را در صندوق آراء ببندد و ناشی از اندیشه های حاکمیت ملی است که توسط حکام ایجاد و اداره می شود و شهروندان فرع تلقی می شوند و حقی که به آنها داده می شود به خود آنها به صورت انفرادی داده نمی شود و

^۱ ابوالفضل، قاضی، "شریعت پناهی" بایسته های حقوق اساسی - تهران، نشر میزان، چاپ ۳۳، سال ۱۳۸۸، ص ۲۹۵

^۲ Theorie de droit de voto

^۳ ابوالفضل قاضی، همان . ص ۲۹۶

^۴ theorie fonctionnelle

در کلیت باید جلوه پیدا کند و در واقع اصالت با فرد نیست با اجتماع و گروه است و این افراد به عنوان جزئی از یک گروه هستند و نباید گروه و اجتماع را متشنج کنند.

۲- مشارکت سیاسی

در عصر حاضر اراده ملت های مختلف بر این مبنا قرار گرفته که نظام سیاسی بر مشارکت عمومی و فراگیر استوار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که الهام گرفته از شریعت اسلام است بر مشارکت مردم و سهیم بودن آنان در اداره جامعه و صاحب حق بودن آنها تأکید بسیار زیادی کرده است تا جایی که قانون اساسی ایران نیز متأثر از فرمایشات در اصل ششم، نظام سیاسی خود را متکی به رأی مردم می داند و انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری، شورا های شهر و روستا به صورت مستقیم توسط مردم و برخی دیگر به صورت غیر مستقیم توسط نمایندگان مردم انتخاب می شوند. یکی از مهمترین عوامل بر قراری اتحاد میان یک ملت مشارکت سیاسی می باشد که تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است زیرا مشارکت سیاسی می تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب ترین پشتوانه جهت فیصله معضلات و بحران های سیاسی، اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد و هر دولتی که بتواند جلوه های بیشتری از همکاری و همدلی توده های مردمی را در ابعاد مختلف، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید می تواند در جامعه بین المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت رفیع تری بر خور دار گردد.^۱ بی شک مشارکت سیاسی در امور توسط یک ملت رشد سیاسی و شعور سیاسی آنها را نیز ارتقاء می بخشد و نتیجه آن می تواند حفظ ثبات رژیم سیاسی باشد، زیرا از توانایی های کلیه آن افراد استفاده می شود.

مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ ارزشی و آزاد سازی و اعتماد به خویشتن و از نظر ابرازی به بسیج و نقش آفرینی توده های انسانی در فرآیند های علمی حیات اجتماعی منجر می شود. مشارکت بخش جوهری و اساسی رشد انسان است و آن توسعه خود اعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین تحول و توسعه ای در درون مردم، تلاش و اقدام برای امحاء فقر و توسعه نیافتگی آن غیر ممکن نباشد، حداقل مواجه با مشکلات عدیده ای خواهد بود.^۲ مشارکت سیاسی مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت بندی و هدایت سیاسی دولت است.^۳

یک جامعه ملت آن با مشارکت و همدلی و هم زبانی در انتخابات فرمانروایان خود به صورت منفی خود فرمانروای خود می شوند و از طریق گزینش و انتخاباتی که توسط خود آنها صورت می گیرد سکان حکومت را خود در دست خواهند گرفت و روح دموکراسی دقیقاً به همین معنا می باشد ولی بی شک رأی دادن و انتخابات در جوامع امروزی متأثر از بسیاری از پدیده هاست در زیر سیر تکاملی حق رأی را بیان خواهیم کرد و به این موارد می پردازیم که چرا و چه عواملی سبب شد این مسیر در این عرصه طی شود. با این فرض که رأی دادن را یک تکلیف به حساب نیوریم و آنرا یک حق تلقی کنیم سوالی که پیش می آید این است که چه افرادی دارای این حق هستند آیا اینکه فردی به دنیا بیاید این حق از بدو خلقت به او اعطا می شود یا در واقع به این شکل نیست و اهلیت تمتع او همزمان با اهلیت اجرای او به منصف ظهور نمی رسد؛ اگر حق است چرا در یک عرصه ای مانند انتخابات شورا های جزء ممکن است سن پائین تر ملاک رأی دادن باشد و در یک انتخابات بزرگتر و حساس تر میزان سن نیز جهت انتخاب کردن دچار تغییراتی می شود، مثلاً ممکن است در حالت اول سن رأی دادن ۱۵ سال باشد و در حالت دوم ۱۸ سال باشد و آیا این حق به همه شهروندان داده می شود یا تفکیک از نظر جنسیت، میزان سواد و ... نیز لازم و ضروری است؟ آیا اگر لازم و ضروری نیست و همه در شرایط برابر هستند آیا منصفانه است که یک تحصیلکرده که با آگاهی

^۱ محمد رضا شعبانی، نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، رساله دکترا، دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران، ۱۳۸۰، ص ۴

^۲ Burkely, sten, pepple first: Aguide to self-Relian participataray Rural Development, london zed books, 1996, p65

^۳ علی، آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۱۳۷۵ ص ۳۰۰

و مطالعه دقیق و آشنایی کامل فردی را انتخاب می کند با یک فرد بی سواد و کهنسال که قوه تعقل آن ممکن است رو به زوال هم باشد برابر باشند، این مواردو امثال آن است که باعث شده در کشورهای مختلف نسبت به رأی دادن و ماهیت آن تحولاتی ایجاد شود و مسیر آن یک مسیر مشخص نباشد و نتیجه اینکه سیر تکاملی رأی نیز از راهها و شاه راههای مختلفی عبور می کند در زیر با فرض بر اینکه رأی دادن یک حق است به صورت گذرا اشاره ای به سیر تکاملی آن خواهیم کرد. رأی محدود یعنی محدودیت هائی که در انتخابات و رأی گیری بوجود می آید به گونه ای که قدرت شرکت در انتخابات تنها به افراد خاص اعطا می شود و سرنوشت حکومت و حاکمان را به عوام نمی سپارند که هریک از عوام از باسواد و بی سواد، پیر و جوان و کودک در سرنوشت حکومت یکسان دخیل باشند. در این شیوه بعضاً برخی گروه های محدود مانند داراها^۱ سرمایه داران و اشراف^۲ حق شرکت در انتخابات را داشته اند به گونه ای که نخستین شکل انتخاباتی محدود منحصر کردن حق رأی به آنانی بود که میزان معینی مالیات مستقیم به نام مالیات انتخاباتی می پرداختند.^۱ و فلسفه وجود چنین گزینش و روشی که از طرف خود آنها بیان می شد این بود که سنگینی وزن تصمیمات حکومتی را این قشر تحمل می کنند و در صورتی که حاکم و فرمانروا تصمیماتی اتخاذ کند که منطقی و عادلانه نباشد در درجه اول آنان را تحت الشعاع خود قرار می دهد. علی رغم اینکه امروزه وجود چنین محدودیت هایی در اکثر کشورهای دنیا دیگر موجودیت ندارد اما باید اذعان کرد کماکان آثار چنین محدودیت هایی به صورت ضمنی در اکثر کشورها وجود دارد آنجا که قشر سرمایه دار با توسل به سرمایه و نقدینگی در دسترس خود اقدام به انتخاب نمایندگان و افرادی می کند که بتواند در آینده از نفوذ آنها جهت بیشتر شدن سرمایه خود استفاده کند. آنان با خرید آرای مردم چه به صورت صریح و آشکار چه به صورت ضمنی استفاده ابزاری از مردم می کنند برای رسیدن به اهداف و امیال خود با این تفاوت که در زمانه ای قدیم آنها مالیات انتخاباتی به دولت پرداخت می کنند و جلوه قانونی داشت اما اکنون همان میزان مال پول را با شگرد های مختلف یا به طریق گوناگون در جیب قشر آسیب پذیر می کنند و به اهداف خود می رسند. یا در بعضی از ایالات آمریکا شمالی کسانی می توانند در رأی دادن شرکت کنند که در آمد کافی برای ادامه حیات داشته باشند و یا کسانی که عوارض ویژه انتخابات را بپردازند.^۲

در برخی دیگر از موارد افرادی حق رأی دادن داشتند که دارای شایستگی های مختلف بوده باشند و نوع این شایستگی ها متفاوت بود ممکن است فردی با سواد در مقابل بی سواد شایستگی رأی دادن داشته باشد و یا اینکه ممکن است در یک نظام دیگر درجه سواد دارای اهمیت نباشد و شایستگی را بر اساس میزان تمکن مالی بسنجند و اگر تمکن مالی داشته باشد شخصی شایسته تلقی شود و حق رأی دادن داشته باشد. اینگونه تبعیض ها و سنجش افراد افرادی که شایسته هستند سبب می شود گروهی در اکثریت فراوان قرار گیرند و محدودیت های ایجاد شده بر اساس این اصول نظام دموکراسی را تبدیل به نوعی الیگارش^۳ می کند به گونه ای که فقط آن چند تنی که شایسته باشند حکومت خواهند کرد که با روح دموکراسی در تعارض است از طرفی ایجاد محدودیت های جسمی پوستی، نژادی، و... مبنی بر اینکه این گروه ها حق رأی دادن نداشته باشند یا در امور سیاسی حق مشارکت نداشته باشند نیز نوعی محدودیت ایجاد کردن در رأی دادن است.

با وجود ایراداتی که بر رأی محدود گرفته شده جامعه انسانی که متشکل از مغزهای متفکر بودند به سوی رأی همگانی پیش رفتند و همگان را شریک در قدرت سیاسی تلقی می کنند و معتقدند که انتخابات و رأی دادن به عنوان یک حق باید برای همه افراد فارغ از رنگ نژاد - پوست - جنسیت - سواد - تمکن مالی و ... به رسمیت شناخته شود و نمی توان بشریت از حق رأی دادن و حق تعیین سرنوشت خود محروم کرد. هر چند در انتخابات همگانی وجود نوعی محدودیت ها مانند تابعیت، شرط سنی، سلامت نفس و روان و ... وجود دارد اما ایجاد این محدودیت قابل مقایسه با مورد قبلی است ولی بعضاً تشخیص اینکه آیا

^۱ ابوالفضل قاضی، پیشین، ص ۲۹۸

^۲ ابوالفضل قاضی، همان

^۳ حکومت چند تن سالاری

انتخابات از نوع همگانی باشد یا محدود را بسیار سخت می‌کند. اگر رای دادن حق تلقی شود باید مشروط به شرایطی از جمله: عمومیت آن، تساوی آزادی آن و آزادی انتخاب شدن باشد.

تساوی همه مردم در مقابل قانون اقتضاء می‌کند که حق رای برای همگان برابر باشد در گذشته‌های نه چندان دور پاره‌ای از عوامل همچون طبقه اجتماعی (در اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۲۰/ رای یک کارگر- ۵ رای کشاورز) ثروت (فرانسه، یک رای ثروتمندان - ۲ رای افراد معمولی) تحصیلات (انگلیس قرن ۱۹ اعتبار رای دیپلمه) و نظایر آن ملاک قانونی برای شرکت در انتخابات به شمار می‌رفت.^۱ و بحث آزادی رای برای مردمی بودن رای اهالی باید آزادانه قادر به رای دادن باشند و منظور از آزادی رای دادن این است که افراد مجبور به مشارکت یا عدم مشارکت نباشند با وجود این در برخی از کشورها (بلژیک، برزیل، استرالیا، ترکیه، یونان، لوزامبورگ، اتریش) اهالی موظف به مشارکت در انتخابات هستند و متخلفین به پرداخت جریمه محکوم می‌شوند.^۲

با توجه به آنچه گفته شد در برخی از کشورها رای دادن بر اساس نص صریح قانون اساسی آنها به عنوان یک تکلیف در نظر گرفته می‌شود و کسانی که در جریان انتخابات و مشارکت‌های سیاسی شرکت نکنند متخلف به حساب می‌آیند و برابر قانون با آنها برخورد می‌شود. پس اینکه در برخی از کشورها رای دادن بصورت یک حق در برخی دیگر از کشورها به صورت یک تکلیف پیش بینی شده است بر کسی پوشیده نیست آنچه بیشتر مهم جلوه می‌دهد این است که در مواردی که رای دادن حق تلقی می‌شود نباید هیچگونه محدودیتهایی یا ضمانت‌اجراهایی برای افرادی که در جریان انتخابات شرکت نمی‌کنند قائل شد، بعضاً در برخی از سیستم‌های حقوقی دنیا فرد به دلیل اینکه این حقوق را از خود سلب کرد تا مدت‌ها آثار آن را باید با خود یدک بکشد. بدون شک وقتی ملت رای می‌دهند باید آرا علنی باشد این عمل باید مانند یک قانون اساسی دموکراسی تلقی شود.

همچنین لازم است اشخاص معتبر و پخته‌ای توده‌ای را راهنمایی کنند و وقار برخی از رجال از تند روی توده جلوگیری نمایند، در جمهوری روم همین که انتخابات مخفی شد همه چیز رو به زوال رفت و دیگر ممکن نشد ملتی را که به طرف انحلال رفت هدایت کنند.^۳

۳- مشارکت سیاسی، حق یا تکلیف از نظر اسلام

تکلیف شرعی به دو شکل فتوا و حکم ایجاد می‌شود. فتوا خبری است که از حکم خداوند داده می‌شود و در واقع انشاء فتوا از طرف خداوند صورت می‌گیرد و وقتی مجتهدی فتوا می‌دهد در واقع برداشت خویش از کتاب سنت را خبر می‌دهد در صورتی که انشاء آن توسط الله صورت گرفته است و اما حکم تکلیف شرعی در خصوص آن مورد و زمان خاص انشاء می‌شود. حکم شرعی لازم الاتباع است هم بر مقلدین و هم غیر مقلدین اما در فتوا تقلید فقط بر مقلدین لازم است و در صورت نزا با حکم یا آنچه به مثابه حکم است مانند قانون اساسی باید به حکم عقل عمل کرد.

در حکومت دینی نه تنها مشارکت سیاسی یک تکلیف شرعی است بلکه تمام مسلمانان موظف به نظارت مستمر هستند و مسئله النصیحه لائمہ المسلمین یکی از وظایف مسلمانان شمرده شده است.^۴ از طرفی امام علی در نهج البلاغه خطبه ۱۲۷ می‌فرماید: انسان تنها بهره شیطان است چنانکه گوسفند تک طعمه گرگ است. حکومت اسلامی و نظام اسلامی از مردم جدا نیست بلکه مجموعه و نظام مردمی می‌باشد که نه تنها آرای عمومی بلکه دلها مردم را در قبضه خود دارد و با هم وابستگی مطلق دارند

^۱ سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی اسلامی، تهران، نشر میزان چاپ دوم ۱۳۹۱ ص ۴۴۴-۴۴۳

^۲ همان

^۳ شارل، منتسکیو، روح القوانين، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۹۱ ص ۱۹۳

^۴ کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، نشر دار الکتب الاسلامی، جلد دوم، ص ۲۵۸

مردم با مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات با حاکم اسلامی بیعت می کنند که نظام اسلامی را بر پا کنند اصولاً بیعت در مواردی به کار می رود که از جانب مقام و امامی در رابطه با امر مهمی پیشنهاد می شود که به همراهی و یاری بیعت کنندگان نیازمند باشند تا امکانات خود را در اختیار او بگذارند و در تحقق یافتن آن امر مهم بکوشند.^۱ نهایت اینکه در دین اسلام مشارکت سیاسی از یک طرف حق هر شهروندی است تا به وسیله آن اراده و نیروی خود را جهت مشارکت در حاکمیت تا به کار گیرند و از طرف دیگر شهروند مسلمان مکلف به برپای حکومت دین محور و نظارت بر حاکمان دینی می باشد.

۴- انواع نظامهای انتخاباتی مبنی بر آرای عموم

الف - نظام اکثریت

در نظام اکثریت کرسی های نمایندگی هر حوزه انتخابی که توسط وزارت کشور تعیین می شود به داوطلبان آن حوزه ارائه می شود همان گونه که از نام آن بر می آید داوطلبانی که بیشترین آرا را کسب کنند نماینده تلقی می شوند که خود به دو نظام : اکثریت ساده و اکثریت دومرحله ای تقسیم می شوند و در نظام اکثریت ساده هر فردی که دارای بیشتری آرا می باشد منتخب شناخته می شود (اکثریت نسبی) و در نظام اکثریت دومرحله ای برای انتخاب شدن در مرحله اول باید اکثریت مطلق آرا را کسب کرد (رای بیش از نصف رأی دهندگان) آنچه در این نظام مهم است و می تواند تضعیف حق به حساب آید این است که فردی که شکست خورده و با اختلاف اندکی از گردونه خارج می شود هیچ اثری در سرنوشت سیاسی کشور نخواهد داشت و هیچ کرسی به او اعطا نمی شود زیرا در این شیوه یک رای هم می تواند سرنوشت ساز باشد.

ب- نظام انتخاباتی فردی، جمعی و فهرستی

در حوزه های کوچک که دارای جمعیت کم و مردم بر هم دیگر شناخت دارند یک کرسی به هر حوزه اختصاص داده می شود و انتخابات به صورت فردی صورت می گیرد و ملت (رای دهندگان) شخصیت طرف انتخابی را رصد می کنند شخصیت طرف انتخابی برای آنها بسیار مهم است. در انتخابات جمعی در حوزه های بزرگتر داوطلبان به صورت منفرد و بر سر تصاحب چند کرسی با همدیگر رقابت می کنند که در این مورد افراد رای دهنده باید بر روی برگه های رای نام چند داوطلب را بنویسند و پس از شمردن آرای افرادی که بیشترین رای را آورده باشند به عنوان چند نماینده معرفی می شوند در این شیوه هیچ گونه ائتلافی بین کاندیدها نمی باشد و مردم خود آنها را گزینش می کنند و در لیست قرار می دهند و نهایت برگه را در صندوق می اندازند. و اما در انتخابات فهرستی داوطلبان به جای رقابت فردی با همدیگر ائتلاف می کنند و در دو یا چند فهرست اسامی خود را به رای دهندگان معرفی می کنند، این شیوه زمانی عملی می شود که در یک کشور رقابت بین احزاب باشد که با توجه به نظام قانونی هر کشور فهرست ها و لیست ها به دو صورت باز و بسته به رای دهندگان اعلام می شود در فهرست های بسته رای دهندگان به جای انتخاب افراد به حزب یا گروه سیاسی برگزیده خود رای می دهند و نتیجه انتخابات متوجه احزاب می شود اما در لیست های باز رای دهندگان حق خواهند داشت افراد مد نظر خود را از لیست خارج کنند و در هر فهرستی که خود تنظیم می نمایند وارد کرده و رای دهند و در کل در انتخابات فهرستی آزادی انتخاب رای دهندگان تحت تاثیر قرار می گیرد و گروه ها انجمن ها و احزاب اراده خود را بر افراد تحمیل می کنند و امتیاز این انتخابات این است که افکار و ایده ای چند تن با همدیگر جمع شده و رقابت می کنند و با مطرح شدن نیازهای اصلی جامعه از طرف آنها و دفاع توسط آنها از طریق ارئه برنامه ی خود قدرت را از دست افرادی که به صورت مستقل برای به کرسی نشاندن حرف خود وارد می شوند می گیرند و در واقع یک کار گروهی و تیمی بهتر جواب می گیرد و نهایت اینکه به مرور زمان نظام انتخاباتی متناسبی به وجود می آمد که بر اساس آن آراء ماخوذه بین کرسی های نمایندگی تقسیم می شود و حاصل نسبت آن کمیت فرضی، برای یک کرسی انتخابی خواهد بود. آراء به دست آمده توسط هر یک از احزاب سیاسی به حاصل نسبت مذکور تقسیم می شود حاصل این تقسیم تعداد نماینده ای است که به هر حزب تعلق می گیرد طرفداران انتخابات تناسبی معتقدند که در این نظام تمام

^۱ محمد هادی، معرفت، ولایت فقیه، قم موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید ۱۳۷۷، ص ۸۲

آراء ماخوذه توسط اکثریت و اقلیت مجموعاً احتساب می گردد و هر یک از احزاب به نسبت آراء در اداره امور کشور سهیم می شوند و طبقاً قوانین و برنامه های مصوب نیز مورد قبول تمام رای دهندگان به خاطر آنکه شاهد حضور نمایندگان خود هستند قرار می گیرد.^۱

با توجه به انواع انتخاباتی که گفته شده روشن است که سیستم های رای گیری در هر نظام و در هر مجموعه متفاوت است و این مسیر به مرور زمان دچار تغییر و تحولاتی شده صرفاً به خاطر اینکه نتیجه عادلانه تر ایجاد شود و هر رای بیشترین اثر را بر جای بگذارد.

۵- بحث و نتیجه گیری

در کشورهایی که دموکراسی حاکم است دخالت ملت در نظام حقوقی و سیاسی خود امری طبیعی است اما اینکه ملت در چه مسائلی و تا چه حدی حق دخالت دارند بسته به موقعیت آن کشور و قانون اساسی آن کشور دارد. از بدو پیدایش دموکراسی اختلاف نظرات مختلفی بوجود آمد مبنی بر اینکه رأی دادن یک حق است یا یک وظیفه. در واقع از زمانی که واژه دموکراسی از یونان به وجود آمد برخی از مردم خود را سازگار با حکومت می دانستند و برخی حکومت را قبول نداشته و سعی می کرده اند از حق انتخاب خود استفاده کنند و افرادی را حاکم کنند که مورد مقبولیت آنها واقع شده باشد. همین طرز برخورد باعث شد به مرور تضاد پیش آید که آیا رای دادن یک حق است یا یک وظیفه و اینگونه شد که تفاسیر متفاوتی وجود آمد و در بین این تفاسیر شیوه های انتخابات نیز در هر سرزمینی متفاوت شد در عصر حاضر اراده ملت های مختلف بر این مبنا قرار گرفته که نظام سیاسی بر مشارکت عمومی و فراگیر استوار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که الهام گرفته از شریعت اسلام است بر مشارکت مردم و سهیم بودن آنان در اداره جامعه و صاحب حق بودن آنها تأکید بسیار زیادی کرده است تا جائی که قانون اساسی ایران نیز متأثر از فرمایشات در اصل ششم، نظام سیاسی خود را متکی به رأی مردم می داند. در برخی از کشورها رای دادن بر اساس نص صریح قانون اساسی آنها به عنوان یک حق و در برخی دیگر از کشورها به عنوان تکلیف در نظر گرفته می شود و کسانی که در جریان انتخابات و مشارکت های سیاسی شرکت نکنند متخلف به حساب می آیند و برابر قانون با آنها برخورد می شود. پس اینکه در برخی از کشورها رای دادن بصورت یک حق در برخی دیگر از کشورها به صورت یک تکلیف پیش بینی شده است بر کسی پوشیده نیست آنچه بیشتر مهم جلوه می دهد این است که در مواردی که رای دادن حق تلقی می شود نباید هیچگونه محدودیتهایی یا ضمانت اجرایی برای افرادی که در جریان انتخابات شرکت نمی کنند قائل شد، بعضاً در برخی از سیستم های حقوقی دنیا فرد به دلیل اینکه این حقوق را از خود سلب کرد تا مدتها آثار آن را باید با خود یدک بکشد.

منابع

- ۱- ابوالفضل، قاضی، "شریعت پناهی" بایسته های حقوق اساسی - تهران، نشر میزان، چاپ ۳۳، سال ۱۳۸۸.
- ۲- ابوجعفر محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، تهران، نشر دار الکتب الاسلامی، جلد دو.
- ۳- شارل، منتسکیو، روح القوانين، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۹۱.
- ۴- علی، آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ۱۳۷۵.
- ۵- محمدرضا شعبانی، نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، رساله دکترا، دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران ۱۳۸۰، ص ۴
- ۶- محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی اسلامی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم ۱۳۹۱.
- ۷- محمد هادی، معرفت، ولایت فقیه، قم موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید ۱۳۷۷.
- 8- Burkely, sten, pepple first: Aguide to self-Relian participataray Rural Development, london zed books.1996, 65.

^۱ سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۴۴۸